

## موارد دیگری از

### مسئولیت ناشی از فعل *فیر*

۱ - مسئولیت افزارمند - دسته دوم از اشخاصی که موضوع مسئولیت ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه قرار گرفته‌اند افزارمندان هستند. لغت *Artisan* در فارسی به افزارمند و یا استادکار ترجمه شده و مراد از آن منصرف بهرکسی است که صغیر را به‌اومی سپارند تا حرفه یافنی را به او بیاموزد. رویه قضائی فرانسه در عمل برای لغت «آرتیزان» اطلاق کامل قائل شده است. شماوقتی برای آگاهی از معنای دقیق «آرتیزان» به کتاب لغت مراجعه میکنید، لاروس آنرا چنین توصیف کرده است «کارگردستی که بحساب خود یا با کمک اعضاء خانواده‌اش و چند نفر کار میکند، آنچه او را از تاجر و یا صنعتگر مشخص میسازد اینست که او خودش برای تولید کالاهائی که می‌فروشد کار میکند. او احياناً می‌تواند کالاهائی را که محصول و تولید کار او نیست بفروشد. اما این جنبه فرعی دارد و مشروط بر اینست که مجموع ارزش آن از ارزش کار دستی او کمتر باشد. او نمی‌تواند ماشین‌های اوتوماتیک بکار برد و می‌تواند احياناً مغازه و تابلوئی هم داشته باشد.» در ایران مثلاً مغازه‌های زرگری یا کارگاهی که مینیاتور تهیه کند کارگاه نقاشی، خیاطی و کارگاههای کوچک قالیبافی که در برخی شهرها و دهات در منازل دائر میشود و دو یا سه نفر در آنجا برای بافتن زری و یا قالی کار میکنند نوعی افزارمندی *travail artisanal* تلقی میشود.

رویه قضائی اطلاق *Artisan* را منصرف بهرکس میداند که صغیر برای آموختن پیشه و یا هنری با و سپرده میشود و برای افزارمند وجود صفات معینی را شرط نمیداند. طبق رأی دادگاه *Pontoise* در ۲۷ مارس ۱۹۳۶ باغبانی که طفلی زیردست او پیشه باغبانی را فرامی‌گیرد، افزارمند دانسته شده است. صاحب رستوران کوچکی که شاگرد خود را آشپزی و فن طبخ می‌آموزد، افزارمند تلقی شده و رأی دیوانعالی کشور فرانسه سورخ ۳ ژوئن ۱۹۴۴ همین نظر را تأیید کرده است. به‌علاوه الزامی هم

به وجود قرار دادی برای تعلیم حرفه وجود ندارد و این از جمله وقایعی است که به کلیه وسائل اثبات میتوان آنرا ثابت کرد و طبق رای دادگاه شهرروآن Rouen در ۱۸ ژوئن ۱۹۵۲ از جمله مسائلی است که تشخیص آن با دادگاه مأمور رسیدگی ماهوی و موضوعی می باشد.

در اینجا توضیح یک نکته ضرورت دارد و آن فرق بین صغیری است که پیشه‌ای می آموزد با صغیری که بعنوان کارگر در خدمت صاحب کار می باشد . در صورت نخستین افزارمند شاگرد خود را تعلیم میدهد و این وظیفه مستلزم رقابت و مواظبت از او نیز می باشد. در حالیکه در صورت دوم وی بعنوان کارگری خواهد داشت که در خدمت کارفرما و در تحت اداره و نظارت او در مقابل اجرتی که دریافت میدارد کار میکند. شناسائی هر یک از این دو عنوان بستگی باوضاع و احوال دارد و صلاحیت آن بعهدہ محکمه ایست که بماهیت رسیدگی می نماید.

همینطور طبق رای دادگاه اکس Aix در ۲۴ آوریل ۱۹۵۰ (گازت دوپاله ۱۹۵۰-۸۶۲) تعلیم صغیر در مدرسه عبارتست از دروس و تمریناتی که بدون تولید و تهیه کالائی انجام می گیرد. در حالیکه تعلیم حرفه باین شکل است که صغیر در اعمال یومیہ معینی بمنظور تولید کالائی تحت نظارت و راهنمایی های افزارمندی شرکت میجوید.

۲ - **مبنای مسئولیت افزارمند** - اساس و مبنای این مسئولیت همانست که قانونگذار برای پدر و مادر در نظر گرفته و مقنن فرض میکند که مسئولیت مذکور در مدت زمانی که مراقبت و مواظبت صغیر از پدر یا مادر به معلم مدرسه و افزارمند انتقال می یابد ، با آنها خواهد بود و بهمین جهت متن قانون صراحت دارد که مسئولیت معلمین و افزارمندان منحصر بمدتی خواهد بود که صغیر در تحت مراقبت ایشان می باشد : **"Pendant le temps qu'ils sont sous leur surveillance"** بنابراین موردی برای فرض مسئولیت در غیر حوزه انجام کار وجود ندارد.

۳ - **مسئولیت معلم** - چون این مسئولیت از نوع مسئولیت پدر و مادر میباشد از لحاظ حدود قدرت اماره قانونی و قابلیت قبول دلیل مخالف عیناً مانند اماره موضوع بند اول ماده ۱۳۸۴ هست نهایت در مورد مسئولیت معلمین ، قوانین

بعدی تغییراتی در متن ماده مذکور بعمل آورده است باین شرح که نخست در ۲ ژوئیه ۱۸۹۹ پس از سر و صدای زیادی که قضیه معروف Le Blanc بلند کرد تبصره ای بماده ۱۳۸۴ اضافه شد که بموجب آن مسئولیت مدنی دولت جانشین مسئولیت مدنی کارکنان کادر تعلیماتی دولت میشد. اماره مسئولیت همچنان هنوز باقی بود: شخص زیان دیده لازم نبود خطای معلم و یا دولت را ثابت کند و فقط دعوی مطالبه خسارت و ضرر و زیان بایستی علیه دولت اقامه میشد، البته همانطور که گفته شد برای زیان ناشی از حوادثی که مسبب آن در ساعات مشخص درس و یا مراقبت، شاگردان بوده اند. بعداً قانون مورخ ۵ آوریل ۱۹۳۷ اماره تقصیر و خطا را علیه معلمین مدارس عمومی و خصوصی بکلی حذف کرد و مقرر داشت که از این پس زیان دیده باید خطای معلم را اعم از اینکه بی احتیاطی و یا سهل انگاری باشد، در صورتیکه مسبب واقعه زیان آور بوده است طبق قواعد عمومی حقوقی بر دادگاه ثابت کند و البته مانند گذشته دولت همچنان مسئولیت تقصیر معلمین را بعهده دارد و دعوی بجای اینکه علیه معلم اقامه شود مستقیماً بطرفیت دولت طرح میگردد و دولت در صورت محکومیت حق رجوع و اقامه دعوی علیه معلم و یا اشخاص ثالث را خواهد داشت.

بدین ترتیب مورد سوم مسئولیت موضوع ماده ۱۳۸۴ که مربوط به معلمین مدارس بود کاملاً تحت حکومت قوانین و مقررات جدیدی قرار گرفته است.

۴ - مسئولیت مدنی کارفرما - دسته چهارم از اشخاصی که علیه ایشان در ماده ۱۳۸۴ فرض مسئولیت شده کارفرمایان بطور کلی هستند. این مسئولیت که در اثناء تدوین قانون ناپلئون بعلت عقب ماندگی وضع صنایع و کارگاهها شاید اهمیت بسیاری نداشت بعدها با توسعه صنایع و ماشینیسم مورد توجه و استناد فوق العاده قرار گرفت بطوریکه طی صد سال اخیر بیش از همه انواع مسئولیت های ناشی از اشخاص، مسئولیت کارفرما نسبت به زیان ناشی از شغل کارگرس در دادگاهها موضوع دعوی قرار گرفته است.

ماده ۱۳۸۴ اماره مسئولیت این دسته را چنین بیان میکند: مخدومین و متبوعین از زبانی که سبب آن خادمین و تابعین ایشان، در مشاغلی که برای انجام آن آنها را استخدام کرده اند، بوده اند.

**قدرت اماره قانونی : جنبه غیر قابل اعتراض بودن**

ماده ۱۳۸۴ به متبوع اجازه نمیدهد با اثبات اینکه او مرتکب خطائی نشده و نمی توانسته مانع وقوع حادثه زیان آور شود از زیر بار مسئولیتی که برشانه او سنگینی میکند رهائی یابد : اجازه اقامه چنین دلیلی را ماده ۱۳۸۴ تنها به پدر، مادر و افزارمندان داده است و در مورد متبوع و مخدوم سکوت کرده و این سکوت از طرف رویه قضائی بعنوان عدم اجازه تلقی شده است .

بدین ترتیب مخدوم و متبوع حتی با اثبات اینکه نمی توانسته اند مانع وقوع حادثه زیان آور شوند از قید مسئولیت رهائی نخواهند یافت . در تأیید همین نظر دیوانعالی کشور فرانسه طی رای مورخ ۲ ژوئن سال ۱۹۲۴ ( دالوزه ۱۹۲-۱-۹۳ ) متبوعی را که راننده اتومبیل او منشاء ضرر گردیده با وجود اینکه متبوع مذکور بدادگاه ثابت کرده که راننده او دارای پروانه رسمی رانندگی است از مسئولیت موضوع بند سوم ماده ۱۳۸۴ معاف نساخته است . در اساس و مبنای مسئولیت متبوع از طرف دکتترین و رویه قضائی توجیهاات مختلفی شده است .

کاپیتان در بحثی که در سال ۱۹۳۲ زیر عنوان « آثار تعهدات » انتشار داد اینطور اظهار نظر کرد که به مخدوم و یا متبوع اجازه خلاصی از مسئولیت مذکور داده نمی شود زیرا خدمتگزار و یا تابع از لحاظ آثار قانونی که بر اعمال مادی ایشان در این زمینه ترتب می یابد چون شخص متبوع بشمار میروند . باوجود این رویه قضائی در این مورد هم مانند دلیل مخالف مسئولیت موضوع ماده ۱۳۸۵ مربوط به مالک و یا محافظ حیوان پس از تردیدی طولانی قبول کرد که تنها در صورتی دلیل مخالف از طرف محکمه قابل قبول خواهد بود که متبوع بتواند ثابت نماید که عمل تابع او در نتیجه قوه قاهره و یا منحصرأ بر اثر خطای شخص ثالث و یا شخص مجنی علیه حادث شده است .

۵ - توجیه مسئولیت کارفرما - این شدت عمل قانون مدنی نسبت به کارفرمایان و متبوعین موجب تقویت این نظر گردیده که مبنای مسئولیت متبوع فرض تقصیری از ناحیه او نیست ، بلکه براساس مفاهیم خطر و تضمین قرارداد دارد . متبوع مسئول شناخته میشود زیرا از طرفی از فعالیت تابع خود بهره میبرد و بنابراین عادلانه است که آثار و نتایج زیان آور آنرا هم متحمل شود و از طرف دیگر

برای اینکه غالباً تابع بنیه مالی پرداخت خسارت را ندارد و کارفرما بنا بر خدمت گماردن او بعنوان یک نوع وثیقه، اشخاص ثالث را نسبت بزیان‌هایی که ممکن است برایشان بر اثر این خدمت پیش آمد کند، تضمین نماید. غالب علمای حقوق مدنی فرانسه پس از جنگ بین الملل دوم با اقرار و اعتراف باینکه مفاهیم خطر و تضمین از لحاظ اجتماعی اهمیت داشته و در موضوع مسئولیت مذکور نیز محل توجه قرار گرفته لیکن یاد آور میشوند که پایه و مبنای اصلی این نوع از مسئولیت همان نظریه تقصیر و خطاست. تقریب استدلال دانشمندان اخیر الذکر چنین است: راست است که متبوع در همه مورد حق انتخاب تابعش را ندارد ولی آنچه مسلم است همیشه نظارت و اداره تابعش با اوست و این حق را همیشه میتواند اعمال نماید. بنابراین طبیعی است که اگر تابع در انجام وظایفش مرتکب خطائی گردد فرض شود که متبوع او را بد انتخاب کرده و یا در هر حال بد راهنمایی و اداره کرده و در مراقبت و مواظبت خود نسبت بکار او اهمال ورزیده است. با توجه بهمین معنی دیوان کشور فرانسه در تاریخ ۳۰ آوریل ۱۹۴۷ (مجله هفته حقوقی ۱۹۴۷-۲-۳۶۲۸) طی حکمی اعلام میدارد: با توجه باینکه متبوع بمعنای ماده ۱۳۸۴ بند پنجم عبارتست از کسی که بحساب و منفعت شخصی خود دخالت شخص دیگری را طلبیده و حق دارد که با و در باب چگونگی اجرای وظایفی که بخاطر آن استخدام شده او امر و تعلیمات دهد....

بدین ترتیب اگر متبوع در انتخاب تابع خود احياناً اختیار و آزادی عمل هم نداشته باشد باز باستناد حق نظارت و اداره ای که بر او دارد مسئول تلقی میشود. اما مبنای غیر قابل اعتراض و مطلق بودن اماره قانونی مسئولیت کارفرما، ممکن است مفاهیم خطر و تضمین در آن نقشی داشته باشد ولی اساس خود مسئولیت بر پایه خطا استوار است و از قدرتی که کارفرما در نظارت و اداره نسبت باعمال کارگر دارد ناشی میگردد.

بعض نویسندگان مفهوم « نمایندگی » را مطرح ساخته اند: تابع چون نماینده متبوع تلقی میشود بنابراین خطاهائی که از جانب اولی ارتکاب می یابد بحساب دومی گذاشته میشود یعنی اصولاً چنین تلقی میگردد که مرتکب آن متبوع بوده است.

ایرادی که بر این نظریه وارد ساخته اند اینست که تصور نیابت و نمایندگی بدون انتقال اختیارات ممکن نیست و نمیتوان تصور کرد که متبوع اختیار و قدرت ارتکاب خطا را به تابع خود منتقل ساخته است.

۶ - قاعده من له الغنم - مفهوم خطر و تضمین که در حقیقت معادل یکی از قواعد معروف حقوق اسلامی است :

«من له الغنم فعلیه الغرم» نیز کاملاً نمی تواند سببای مسئولیت مورد بحث قرار گیرد زیرا قانون برای مسئولیت متبوع وقوع خطائی از جانب تابع را لازم می شمرد و بعلاوه متبوع پس از پرداخت خسارت عمل زیان آور تابع بشخص ثالث حق رجوع به تابع برای باز گرفتن آن خسارت را خواهد داشت و این هر دو با قاعده من له الغنم منافات دارد.

بدون تردید ، مسئولیت متبوع نسبت باعمال تابعش با صور دیگر مسئولیت شخص از فعل غیر اختلاف دارد زیرا گذشته از اینکه زیان دیده باید خطای تابع را ثابت کند و اثبات خطای فرزندان صغیر برای اثبات مسئولیت پدر ، مادر و یا افزارمند ضرورت نداشت ، کارفرما حتی با اثبات اینکه هیچ خطائی هم از جانب او واقع نشده باز از زیر بار مسئولیت رهائی نخواهد یافت .

۷ - اتحاد حقیقی - برخی دانشمندان حقوق مدنی چون Chironi قائل با اتحاد حقیقی Confusion بین شخصیت تابع و متبوع در برابر غیر شده اند یعنی در حقیقت در برابر افراد خارج آنچه را تابع انجام میدهد عیناً مثل اینست که متبوع شخصاً بان مباشرت داشته باشد و بر اساس همین عقیده محکمه ریوم Riom در ۲۴ ژانویه سال ۱۹۲۴ رائی صادر کرد و طی آن اعلام داشت :

«que, juridiquement, et au point de vue des réparations civiles la responsabilité du commettant et du préposé se confondent»

از لحاظ حقوقی و از نقطه نظر ترمیم خسارت مدنی ، مسئولیت متبوع و تابع با هم اختلاط و امتزاج پیدا میکنند .

۸ - فکر جانشینی - بعضی دادگاهها فکر جانشینی مسئولیت را نیز در آراء خود مورد توجه قرار داده اند و دادگاه بزانشون Besanson طی رای مورخ ۱۷ مه ۱۹۲۷ (گازت وپاله ۱۹۲۷-۲-۳۷۰) چنین استدلال کرده است :

«La responsabilité du commettant se trouvant substituée à celle du préposé, il en résulte que cette responsabilité ne sera pas encourue que' il existe une faute imputable au préposé».

چون مسئولیت متبوع جانشین مسئولیت تابع میشود نتیجه آن الزاماً اینست که این مسئولیت در صورتی وجود خواهد داشت که خطائی قابل انتساب بتابع وجود داشته باشد.

و دادگاه Rabat باتوجه بهمین فکر جانشینی صریحاً دررای مورخ ۱۵ آوریل ۱۹۴۰ خود اظهار میدارد که مبنای حقوقی مسئولیت متبوع نسبت باعمال تابع جانشین شدن کارگر از طرف کارفرماست .

«...a pour fondement juridique, la substitution du maître au serviteur»

یعنی از نظر مسئولیت مدنی ، کارفرما جانشین کارگر میشود و با توجه باین مبناست که اولاً باید خطای کارگر ثابت شود و ثانیاً وقتی خطای مشارالیه ثابت شد ، متبوع او دیگر بهیچ نحو نمیتواند از زیر بار مسئولیت رهائی یابد زیرا خطای تابع مفهومیست خطای متبوع است و وقتی خطای تابع اثبات شد ، مانند آنست که خطای متبوع ثابت شده باشد.

دیوانعالی کشور فرانسه هم دررای مورخ ۱۱ مه ۱۸۶۶ با توجه بهمین نظر است که میگوید :

*Le domestique est regardé comme le représentant du maître*

به مستخدم چون نماینده مخدوم نگاه میشود. ایرادی که دکتین متوجه این رویه قضائی ساخته اینست که بدون انتقال اختیار، نمایندگی و نیابت وجود ندارد و نمی توان تصور کارفرمائی را کرد که به کارگر اختیار ارتکاب خطا داده باشد و اگر منوب عنه مسئول خطاهای ارتکابی از طرف نایب خود میباشد این مسئولیت فقط در صورتی است که نایب زیر نظر و اداره او فعالیت کند و منشاء مسئولیت هم همین اداره و نظارت است.

۹ - نظریه خطا - نظری که امروز بیشتر با قبول و تأیید روبرو شده اینست که مبنای اصلی مسئولیت متبوع و مخدوم بر پایه خطا استوار است. اما این اساس با اینکه قدرت خاص اماره قانونی در موضوع بوسیله نظریات وجود منفعت و تضمین

توجیه شود مانعاً الجمع نیست. آنچه اهمیت دارد اینست که مسئولیت برپایه قدرت اداره و نظارتی که متبوع و یا مخدوم دارند قرار گرفته است.

۱۰ - بار مسئولیت متوجه کیست ؟ - ماده ۱۴۸۴ میگوید : مخدومین بخاطر خطاهای مستخدمین و متبوعین برای خطاهای تابعین خود ، در حقیقت مخدومین و خادمین یکی از موارد بیان کلی تر متبوعین و تابعین هستند که ذکر آن از طرف قانونگذار با توجه بتاریخ تدوین قانون بطن قوی از این جهت بوده که قانون گذار بیم داشته گروهی مسئولیت مخدوم را نسبت بعمل زیان آور خدمتگذارش از شمول حکم عام تابع و متبوع خارج بدانند.

طبق رای مورخ ۳۰ آوریل ۱۹۴۷ وقتی که شخصی قدرت حاکمیت و فرمانروائی بر شخص دیگر که تابع و وابسته باوست دارد و شخص اخیر الذکر طبق اوامر و تعلیمات شخص نخست عمل میکند رابطه تابع و متبوع وجود دارد. وقتی قرارداد اجاره خدمات وجود دارد و شخص طبق قرار داد برای خدمت دیگری اجیر میشود ، رابطه تبعیت مستقر می باشد لیکن ممکن است بدون وجود قرارداد هم رابطه برقرار باشد. مثلاً پسری که بسن رشد قانونی رسیده تحت اوامر و اداره پدر خود کار میکند. در این حال بی آنکه عقدی تنظیم یافته باشد ، رابطه تبعیت بین پدر و پسر وجود دارد و پدر مسئول زیان ناشی از اعمال پسر خواهد بود.

بر عکس ممکن است با وجود عقد ، رابطه تبعیت قانونی پیدا نشود. مثلاً مقاطعه کاری که منزلی را میسازد تابع صاحب خانه مذکور نیست. شما به نجاری ساختمان سفارش یک میز و یا شش دست صندلی میدهد ، او تابع شما نخواهد بود. ضابطه برای تشخیص این قبیل اعمال که شمول رابطه تبعیت نمیشود اینست که در موارد مذکور کسی که انجام کار با وسپرده شده ، خود اختیار ترتیب و تنظیم کارش را دارد و صاحب کار نظارتی بر چگونگی انجام کار از ناحیه او ندارد. بر همین اساس مکانیسنی که اتومبیل را برای تعمیر بدست او می سپارند تابع صاحب اتومبیل محسوب نمی شود. همینطور کسی که در مسابقات دوچرخه سواری و یا اتومبیل رانی شرکت میجوید تابع انجمن و یا جمعیتی که به تنظیم مسابقات مذکور مبادرت ورزیده نخواهد بود ( رای دادگاه Albi مورخ ۳ ژوئن ۱۹۴۸ مندرج در گازت دو پاله مورخ ۲۷ اوت ۱۹۴۸ و رای دادگاه Epinal مورخ ۳۰ دسامبر ۱۹۴۰ مندرج در مجموعه رویه قضائی دالوز سال ۱۹۴۱ شماره ۱۱۲ )



فوتبالیستی که در یک تیم بازی میکند تابع رئیس تیم مذکور نیست ( رای دیوان کشور فرانسه مورخ ۳۰ آوریل ۱۹۴۷ مندرج در گازت دو پاله اول ژوئیه ۱۹۴۷ ).

۱۱ - رویه قضائی - آراء دیگری از محاکم فرانسه مواردی را که رابطه تبعیت موضوع ماده ۱۳۸۴ وجود ندارد ، بهتر روشن میسازد : خلبانی که عضو یک باشگاه هواپیمائی است و هواپیمائی از باشگاه مذکور برای پرواز بعاریت گرفته تابع باشگاه مذکور تلقی نمی شود .

( محکمه Agen رای مورخ ۶ مه سال ۱۹۳۸ مندرج در گازت تریبونو ژوئیه ۱۹۳۸ ) کارگر ساختمانی که در مرمت یک بنا شرکت میجوید تابع مالک بنا بشمار نمی رود زیرا در عملی که انجام میدهد تابع مقاطعه کاریست که او را استخدام کرده ( دیوان کشور فرانسه درع فوریه ۱۸۸۰ - مجموعه دالوز ۱۸۸۰ - ۱ - ۳۹۲ ) مگر اینکه صاحب ساختمان شخصاً اداره کار را در دست داشته و راجع بان بکارگر امر و دستور دهد ( رای دیوان کشور فرانسه مورخ ۴ مارس سال ۱۹۰۳ مجموعه سیری ۱۹۰۳ - ۱ - ۴۷۱ ) .

سلطه روحی که اسقف بر کشیش کلیسا دارد برای ایجاد رابطه تبعیت موضوع ماده ۱۳۸۴ کافی نیست ( محکمه فونتنلو رای مورخ ۱۸ مارس ۱۹۵۳ مجموعه دالوز ۱۹۵۳ - ۳۴۳ ) .

کسی که اتومبیل را دریافت میکند تا برای آن مشتری پیدا کند تابع صاحب اتومبیل نخواهد بود ( دیوان کشور فرانسه رای مورخ ۹ ژانویه - مجموعه دالوز ۱۹۳۱ - ۱ - ۱۷۱ و تفسیر دالان Dallon )

مدیر مستقل شعبه شرکت ، مادام که مسلم باشد در اداره شعبه استقلال تام دارد تابع شرکت بشمار نمی رود ( محکمه پاریس رای مورخ ۱۵ فوریه سال ۱۹۵۱ مجموعه دالوز ۱۹۵۱ Somm ۷۲ ) .

طبق رویه قضائی در فرانسه عضو یک انجمن ورزشی تابع انجمن محسوب نمی شود و همینطور یک جراح یا یک پزشک تابع بیمارستانی که در آنجا از بیماران عیادت مینمایند نیستند برعکس پرستاران و خدمتگزارانی که در بیمارستان انجام وظیفه میکنند تابع بیمارستان بشمار میروند و البته در خلال یک عمل جراحی معین ، همین پرستار و یا کارمند بیمارستان ممکن است تابع جراح بشوند .

به‌همین ترتیب شخصی که اتومبیلی را برای گردش و یا انجام کاری اجاره میکند کارفرما و متبوع راننده اتومبیل نخواهد بود (دیوان کشور فرانسه رای شعبه جنائی مورخ ۳ اکتبر ۱۹۰۲ مجموعه سیری ۱۹۰۲ - ۱ - ۵۴۴)

طبق نظر دیوان کشور فرانسه که در خلال آراء متعددی بیان شده مستأجر و کشاورز تابع مالک محسوب نمی‌شوند بعلاوه دیوان کشور فرانسه طی آراء دیگری تأکید کرده که سازمان بسمه‌های اجتماعی و تعاون عمومی چون متبوع و کارفرمای پزشکان و جراحان بیمارستانها نیست، بنا براین مسئول اعمالشان نیز نمی‌باشد.

کسی که با اتومبیل بقصد گرفتن پروانه امتحان رانندگی می‌دهد تابع ممتحنی که در کنار دست او نشسته نیست. در این مورد شعبه عرایض دیوان کشور فرانسه طی رای مورخ ۲ ژوئیه سال ۱۹۴۱ خود نظر داده که ممتحن مسئول زبانی که از رانندگی داوطلب در اثناء آزمایش حاصل شود نخواهد بود و مسئول آن داوطلبی است که تقاضای دریافت پروانه رانندگی دارد.

۱۲ - وجود مراقبت - وجود مراقبت و نظارت متبوع بر تابع پایه و اساس رابطه تبعیت بشمار میرود. پدری که رانندگی اتومبیل را به پسرش می‌سپارد نسبت به پسر متبوعست (رای دادگاه نانسی مورخ ۲۴ مارس سال ۱۹۴۱ مندرج در گازت دوپاله مورخ ۱۹۴۱ - ۲ - ۱۶۳)، اما اگر پسر بدون علم و اطلاع پدر اتومبیل او را مورد استفاده قرار دهد پسر تابع پدر نخواهد بود (رای دادگاه سن مورخ ۳ مارس ۱۹۳۵ دالوز ۱۹۲۵ - ۳۱۲)

طبق رویه قضائی در فرانسه، صاحب اتومبیل نسبت به کسی که اتومبیل خود را بعنوان امانت در اختیار او قرار داده اگر سلطه و اقتداری بر او از نظر راهنمائی و اصدار تعلیمات نداشته باشد متبوع مشارالیه بحساب نمی‌رود و همینطور برادری که در اثناء غیبت برادرش سوار اتومبیل او میشود تابع برادر خود نیست (دادگاه سن رای اول آوریل ۱۹۵۲ دالوز ۱۹۵۲ - ۳ - ۴۳۱) و (دادگاه برژ ۲۷ فوریه ۱۹۴۵ دالوز ۱۹۴۵ - ۱ - ۲۵۹)

۱۳ - مزد و رابطه تبعیت - گفتیم که رابطه تبعیت لازم نیست جنبه قانونی داشته و یا مبتنی بر عقد و قرار دادی باشد. بعلاوه برای استقرار این رابطه لازم نیست که تابع در برابر کاری که برای متبوع انجام می‌دهد حتماً مزدی دریافت دارد. دیوان کشور فرانسه در رای مورخ اول مه ۱۹۳۰ (دالوز هفتگی ۱۹۳۰

(۳۱۳-۱۹۳۰) و محکمه سن در ۱۴ مارس ۱۹۳۰ (دالوز. ۱۹۳-۲-۱۱۵) همین نظر را تأیید کرده اند و دادگاه اخیرالذکر در رای خود میگوید: مسئولیت مدنی متبوع ناشی از رابطه تبعیت او میشود. بر اساس رابطه مذکور، متبوع حق دارد بتابع خود برای انجام عملی در زمان معینی و برای منظور معین امر و تعلیمات دهد و موقعیت و وضعیت اجتماعی طرفین هرچه باشد و اعم از اینکه عمل مذکور موقت یا دائمی باشد و در مقابل مزد و یا بدون آن واقع شود و حتی اگر عمل مذکور بنحوی باشد که فکر مزد دادن باشخاص برای انجام آن بعید بنظر برسد باز رابطه تبعیت تحقق می پذیرد. پدری که به پسرش میگوید اتومبیل او را برای بردن دوستانش بمحل معینی و از راه معینی مورد استفاده قرار دهد، بدین ترتیب در برابر پسر عنوان تابع را می یابد.

گاهی اوقات مزد ممکن است شکل انعام (pourboire) بخود بگیرد و یا میزانی باشد که عرفاً گزاف و هنگفت بحساب آید، یا احتمال دارد متبوع بجای مزد خدمتی برای تابع انجام دهد مثل اینکه متبوع پزشک باشد و در برابر کاری که تابع برای او انجام میدهد، مراقبت و مواظبت طبی او را بعهده بگیرد. در همه این احوال، رابطه تبعیت و مسئولیت ناشیه از آن برقرار خواهد بود.

آنچه برای تشخیص رابطه تبعیت اهمیت و اعتبار دارد اینست که تابع عمل را برای متبوع انجام دهد و متبوع برای انجام کار بر او اطمینان کرده باشد و ضمناً تابع در انجام آن عمل از متبوع استقلال هم نداشته باشد.

۱۴ - اهلیت متبوع - اهلیت متبوع برای استقرار رابطه تبعیت لزومی ندارد چنانکه ممکن است مشارالیه بسن رشد قانونی نرسیده باشد لیکن این امر در مسئولیت مدنی او بعنوان متبوع تغییری نخواهد داد. حتی متبوع ممکن است غیر ممیز باشد و مع الوصف اگر تابع او در اثناء انجام وظیفه و یا بعلت آن مرتکب خطائی شود که زیبایی متوجه دیگری سازد مسئولیت مدنی با متبوع غیر ممیز میباشد.

توجیه مسئولیت مدنی صغیر غیر ممیز و یا متبوعی که در انتخاب تابع خود آزادی نداشته بدین شرح است که مشارالیه تا وقتی که عملاً سلطه و قدرت در مراقبت بر اعمال تابع و هدایت و راهنمایی او دارد مسئولیت مدنی یا زیان ناشی از افعال مذکور را باید بر عهده گیرد نهایت در مورد صغیر غیر ممیز این قدرت

مراقبت و هدایت در وجود وصی و یا ولی صغیر ظاهر میشود. بر پایه همین استدلال دیوان کشور مصر در رای مورخ ۱۰ فوریه ۱۹۵۳ محجورین را مسئول جبران خسارتی دانسته که راننده اتومبیلشان در اثناء انجام وظیفه بدیگری وارد ساخته در حالیکه محجورین در انتخاب راننده مذکور دخالتی نداشته‌اند و راننده قبلابوسیله مورث ایشان در زمانی که حیات داشته استخدام شده بوده است.

رابطه تبعیت منحصر باعمال مادی که شخص برای دیگری انجام میدهد نیست بلکه ممکن است رابطه مذکور در کارهای حقوقی و قانونی هم ظاهر شود. مثلاً وکالت یکی از این موارد است. اگر وکیل در اثناء انجام کاری که از جانب موکل خود مأمور آن شده زیانی بشخص ثالث برساند موکل مسئول جبران خسارت وارده بشخص ثالث خواهد بود مشروط بر اینکه وکیل در انجام عمل مذکور مطیع و تحت فرمان و اداره موکل باشد بطوریکه بتوان او را تابع موکل محسوب داشت. مانند پسری که بطور کلی از جانب پدرش وکالت دارد که اتومبیل او را بنفع او براند (رای دیوان کشور فرانسه ۴ دسامبر ۱۹۴۵ - مجله هفته حقوقی ۶-۱۹۴۶ - ۳۱۱۰) بر همین اساس شرکت سهامی مسئول زیانی خواهد بود که مدیر شرکت مذکور در اثناء انجام وظیفه خود بعنوان مدیر شرکت وارد ساخته است (دیوان عالی کشور فرانسه - ۲ فوریه ۱۹۱۰ - دالوز ۱۹۱۰ - ۱ - ۷۲)

لیکن باید دانست که بین وکیل و موکل همیشه حکم بوجود رابطه تبعیت ممکن نیست و در همه اعمالی که وکیل به حساب موکل خود انجام میدهد نمیتوان این رابطه را مستقر دانست.

در زمینه مسئولیت ناشی از خطا در صورت اجتماع کلیه شرایط لازم گروهی از مصنفین معتقدند میتوان وکیل را تابع موکل فرض کرد. اما راجع بمسئولیت ناشی از قرارداد، نصوص قانون دیگری برای تعیین حدود مسئولیت وکیل و موکل وجود دارد و حدود مسئولیت مذکور بطور کلی در عقد وکالت بین وکیل و موکل و قواعد عمومی مربوط به مسئولیت ناشیه از عقود مشخص میشود:

#### De la responsabilité du fait d'autrui en matière contractuelle

۱۵ - تبعیت هارشی - باوجود ضوابطی که رویه قضائی در نهایت دقت وامعان نظر تعیین کرده، تشخیص بستگی تبعیت همیشه آسان نیست. یکی از موارد

مشکل ، تبعیت عارضی و موقتی است . تبعیت عارضی یا موقتی عبارتست از اینکه گذشته از متبوع اصلی ، متبوع دیگری هم پیدا شود که در مدت معینی از زمان تابع تحت مراقبت و فرمان او انجام وظیفه کند . این تبعیت درحقیقت مدتی بطور موقت ، تبعیت نخستین را که اصلی است عارض میشود .

مثلا پرستاری در بیمارستان انجام وظیفه میکند ، او و تابع بیمارستان متبوع است . بیماری در بیمارستان بستری میشود و برای عمل خود جراحی را که جزء کادر بیمارستان نیست از خارج به بیمارستان دعوت میکند . جراح در اثناء عمل پرستار مذکور را تحت فرمان خود در میآورد . این پرستار در هنگام انجام وظایفی که جراح با و محول میسازد زبانی میرساند ، مسئولیت مدنی ناشی از فعل او بعهدہ کیست . بیمارستان و یا جراح ؟

تردید نیست که پزشکان و مدیران بیمارستانها و کلینیک ها متبوع افرادی شناخته میشوند که بعنوان پرستار و نظایر آن استخدام میکنند و تحت مراقبت و راهنمایی ایشان کار می نمایند . اما راجع بسئوال فوق ، محکمه استیناف شهر لیون در مواجهه با چنین موردی در ۲۹ اکتبر سال ۱۹۵۱ رای داد که چون پرستار بیمارستان در کمکی که بانجام عمل جراحی مینماید و مواظبتی که نسبت بمریض مبذول میدارد تحت فرمان جراح قرار دارد بنابراین در اثناء این مدت معین تابع جراح تلقی میشود .

( مجموعه دالوز ۱۹۵۲-۷۶۳ و تفسیر هنری لالو )

و براین اساس پس از آنکه عمل جراحی پایان یافت و بیمار بهوش آمد پرستار دیگر در اقداماتی که برای معالجه مبذول میدارد تابع جراح بشمار نمیرود و ضرر ناشی از این قبیل اعمال متوجه بیمارستان خواهد بود که پس از پایان عمل جراحی باز کماکان بعنوان متبوع اصلی پرستار ظاهر میشود . بدین ترتیب اگر پس از بهوش آمدن بیمار دردنبال عمل جراحی پرستار مذکور با و آمپولی تزریق کند که در نتیجه آن بیمار دچار فلج شود بیمارستان بعنوان متبوع پرستار مسئول جبران خسارت مدنی است که از عمل او ناشی شده است . همینطور اگر پرستار اشتباها قرص مسموم کننده ای به بیمار داد ، مسئول اشتباه زیان آور او بیمارستان خواهد بود . ( رای دادگاه پاریس ۲۱ ژوئیه ۱۹۵۳ - دالوز ۱۹۵۳-۳۶۷ ) لیکن

اگر پزشک معالج غفلت کرده و قبلاً پرستار را از تزریق آمپول در داخل رگ بیمار برحذر نداشته باشد، مسئولیت پزشک همچنان برقرار خواهد بود (رای دادگاه بر دو ۱۶ ژانویه ۱۹۵۰ - دالوز ۱۹۵۰ - ۱۲۲).

اگر پرستار در خدمتی که انجام میدهد یکی از آلات و لوازم متعلق به بیمارستان را بکار برد با این همه از لحظه‌ای که بیمار بروی تخت عمل جراحی قرار گرفت و پرستار تحت تعلیمات و فرمان جراح قرار گرفت تابع وی محسوب میشود (دادگاه سن مورخ ۲۱ آوریل ۱۹۵۳ - J.C.P. ۱۹۵۳ - ۲ - ۷۶۳۱)

۱۶ - در حوادث اتومبیل - تبعیت موقتی و عارضی در قضایای ناشی از رانندگی اتومبیل نیز غالباً پیش آمد میکند و از این نظر در عمل احکامی که دادگاهها صادر میکنند بنا بر اوضاع و احوال هر قضیه با هم متفاوتند.

دیوان کشور فرانسه در ۲۸ مه ۱۹۴۱ (دالوز ۱۹۴۱ - ۳۰۶) رای داده که اگر مالک اتومبیل در اثناء وقوع حادثه سلطه و حاکمیتی بر راننده نداشته از نظر مسئولیت ناشی از حادثه مذکور متبوع راننده تلقی نمیشود. در حوادث رانندگی دیوان عالی کشور فرانسه در آراء متعددی که از طرف شعبه مدنی و کیفری صادر شده بطور کلی معتقد بانتقال مسئولیت با پیدایش تبعیت موقتی میباشد و انتقال مسئولیت را بدین طریق بیان میکنند:

**Si pour un temps ou pour une opération déterminée le commettant met son préposé habituel à la disposition d'une autre personne à qui appartiennent l'autorité et la direction au moment où se produit un accident dommageable à un tiers, la responsabilité se déplace et n'incombe plus qu'à un second commettant.**

چنانچه برای مدت معین و یا عمل معین متبوع تابع عادی خود را در اختیار شخص دیگری مینهد بطوریکه شخص اخیر الذکر در اثناء حادثه زیان آور بشخص ثالث بر تابع حاکمیت و قدرت اداره داشته باشد در اینصورت مسئولیت تغییر محل میدهد و فقط متوجه متبوع دوم میشود.

طبق آراء دیوان کشور فرانسه، اگر شرکتی اتومبیلی را با راننده آن بشخصی بنحوی اجاره و یا عاریه بدهد که شرکت هر نوع نظارت و مراقبتی را بر اتومبیل از دست دهد در اینحال اگر چه راننده حقوق خود را از شرکت

دریافت میدارد لیکن چون تحت تسلط این شخص در آمده که با او امر و فرمان میدهد از این لحاظ شخص اخیر متبوع عارضی و موقتی *Commettant occasionnel* راننده به حساب میآید (دیوان کشور فرانسه ۸ اکتبر ۱۹۴۰، گازت دوپاله ۱۹ دسامبر ۱۹۴۰ - دادگاه پاریس یازده مه ۱۹۵۰ - دالوز ۱۹۵۰ - ۴۳۸ و در همین زمینه رای ۱۰ دسامبر ۱۹۵۲ - گازت دوپاله ۲۴ مارس ۱۹۵۳).

مدیر گاراژ وقتی شروع بتعمیر و اصلاح اتومبیل میکند بحساب خود عمل مینماید و تابع صاحب اتومبیل نیست. پس از پایان مرمت اتومبیل، مدیر گاراژ یکی از کارکنان خود را مأمور میسازد که اتومبیل را سوار شده و آزمایش کند و این امتحان بعنوان آخرین مرحله تعمیر ضرورت دارد. اگر در اثناء این آزمایش نیز حادثه ای روی دهد مسئولیت مدنی آن با مدیر گاراژ خواهد بود و در این حادثه مسئولیتی متوجه صاحب اتومبیل نیست، حتی اگر کنار دست راننده هم نشسته باشد. (رای دیوان کشور فرانسه در ۲۴ آوریل ۱۹۳۳ - دالوز هفتگی ۱۹۳۳-۲۱۹ اما شعبه جنائی دیوان کشور فرانسه طی رای مورخ ۲۱ نوامبر ۱۹۳۴ دالوز هفتگی ۱-۸۶ نظر مخالف داده، مازود در مجله حقوقی فصلی *Revue périodique juridique* ۱۹۵۳ صفحه ۱۰۳ مقایسه ای بین دو رای بعمل آورده است.)

بعض آراء بتفصیل قائل شده و معتقدند که راننده در آنچه که مربوط به جنبه فنی کارش میباشد تابع متبوع اصلی خود خواهد بود لیکن از جنبه اداری یعنی از نظر راهی که اتومبیل باید پیش گیرد و یا سرعتی که باید با آن براند راننده تابع متبوعی خواهد بود که موقتاً او را عارض شده است (رای دیوان کشور فرانسه در ۲۱ اکتبر ۱۹۲۶ - دالوز هفتگی ۱۹۲۶-۴۹۸) اما در این نکته هیچ اختلافی نیست که یکنفر در آن واحد نمیتواند تابع دو نفر متبوع مختلف باشد مگر اینکه کاری که انجام میدهد برای منفعت مشترک آن دو و تحت سلطه و فرمان مشترک آن دو باشد و در اینحال آن دو نسبت به فعل زیان آور او مسئولیت مدنی تضامنی خواهند داشت.

همانطور که گفتیم تشخیص رابطه تبعیت در مواقعی که گذشته از کارفرمای اصلی کارفرما یا کارفرمایان عارضی و موقت هم پیدا میشوند دقت نظر

بیشتری لازم دارد و بخصوص در هر مورد، اوضاع و احوال خاص قضیه را باید مورد توجه قرار داد. برای پی بردن به وجود یا عدم رابطه تبعیت نیت و قصد کارفرمای اصلی و کارفرمای عارضی میتواند راهنما قرار گیرد. باید دید کارفرمای اول از عاریت دادن تابع خود به کارفرمای دوم چه نظری داشته؟ آیا مقصودش این بوده که تابع خود را بطور مطلق تحت تصرف کارفرمای عارضی قرار دهد و سلطه و حق راهنمایی و اداره را که نسبت بتابع دارد برای مدت زمانی به او منتقل سازد یا اینکه مقصود این بوده که حق راهنمایی و اصدار اوامر برای کارفرمای اصلی باقی بماند. همچنین اوضاع و احوال واقعه میتواند مآربه کشف حقیقت راهنمایی کند: مثلاً اتومبیلی با راننده برای مسافرت معین و با مدتی کوتاه اجاره و یا عاریه داده میشود و وضع نشان میدهد که مالک اتومبیل از سلطه و حق اداره خود چشم پوشیده و راننده همچنان از نظر دریافت تعلیمات و اوامر تابع او باقی مانده است. اما اگر مدت عاریه و یا اجاره طولانی باشد و مستأجر یا مستعیر مخارج لازم برای بیمه کردن و نگاهداری اتومبیل را پذیرفته از این کیفیات معلوم میشود که حق راهنمایی و اداره از کارفرمای اصلی بکارفرمای عارضی انتقال یافته است. چنانچه راننده تنها بدون اتومبیل به عاریه گرفته شود اینطور اظهار نظر شده که راننده مذکور در هر حال مطیع اراده و تابع کارفرمای عارضی محسوب میشود. (دیوان کشور فرانسه در ۲۱ نوامبر ۱۹۳۴ - دالوز هفتگی ۱۹۳۵ - ۸۶).

دیوان کشور مصر در ۱۸ اکتبر ۱۹۴۹ در یک مورد ضمن رای خود اعلام داشته که اگر کارفرمای عارضی شخصاً راننده مطلوب خود را از بین رانندگانی که در اختیارش بوده اند انتخاب کرده و در اثناء وقوع حادثه هم نسبت به راننده اقتدار امر ونهی داشته اگر چه مالک اتومبیل نباشد نسبت براننده مذکور متبوع محسوب میشود.

بایستی توجه داشت که هر کس حق اصدار اوامر و تعلیمات داشته باشد متبوع تلقی نمیگردد. مثلاً سرپرست کارگران با وجود اینکه کارگران را اداره و راهنمایی میکند و بانها امر و فرمان میدهد کارفرما نیست زیرا اداره کارگران را مشارالیه به حساب مقاطعه کاری که او را باین منظور استخدام کرده انجام میدهد



و مقاطعه کار مذکور بعنوان متبوع مسئول اعمال زیان آور کارگران خواهد بود. بنابراین مسئولیت موضوع ماده ۱۳۸۴ متوجه سرپرست کارگران نمیشود ولی سرپرست مذکور طبق قواعد عمومی اگر شخصاً مرتکب خطائی شود که از آن بدیگری زیان برسد مسئولیت خواهد داشت. مثل این که بکارگران اوامری مبنی بر مخالفت با قانون بدهد و یا اینکه در دستورهای خود مقتضیات احتیاط و بصیرت را بهیچوجه مراعات نکند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی